

نگاهی کلی به جنبش کارگری

در سال گذشته

بقیه از صفحه ۹

بسیاری از معتبرترین سندیکاها و اتحادیه های کارگری به خاطر نقض حقوق کارگران مورد پرسش قرار می گرفت و یا به خاطر فقدان آزادی تشکلهای مستقل کارگری محکوم می شد.

یکی از حقوق پایه ای کارگران که کنوانسیون مربوط به آن توسط ایران پیش از روی کار آمدن جمهوری اسلامی امضا شده، حق تشکیلات مستقل کارگری است که بر طبق آن کارکنان موسسات مختلف که انسانیها در آن کار می کنند برای دفاع و پیگیری حقوق خود حق دارند بدون دخالت دولت ها و کارفرمایان و یا هر قدرت دیگری سندیکای خود را مطابق با منشور جهانی حقوق سندیکایی تشکیل دهند.

اما در ایران هر تشکیلاتی و منجمله شوراهای اسلامی کار و انجمنهای اسلامی کارگران و یا هر تشکیلات کارگری و یا کارمندی باید در اساسنامه خود به ولایت مطلقه فقیه متعهد و ملتزم باشد. خانه کارگر نمونه کامل یک تشکیات کارگری وابسته به دولت است و بنابراین با معیارهای سازمان بین المللی کار و از جمله مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ که ناظر بر حقوق سندیکایی است در تناقض می باشد.

دو سال پیش به دنبال تلاشهای نیروهای ترقیخواه و فعالیتهای مستمر مقاومت ایران و فعالان کارگری در خارج از کشور، رژیم ایران تن به یک عقب نشینی داد و پذیرفت که هیاتی از جانب سازمان جهانی کار از ایران بازدید کرده و در مورد حقوق سندیکایی مذاکره سه جانبه صورت گیرد.

در تاریخ ۱۶ دیماه ۱۳۸۲ گروهی از نمایندگان کارکنان صنعت نفت در نامه ای به خطاب به «برنارد جرنیگان» و «کارن کرتیس» کارشناسان سازمان بین المللی کار که به منظور بررسی جایگاه تشکلهای کارگری در ایران از طرف شاخه آزادی اتحادیه های سازمان بین المللی کار و اداره آزادی انجمنهای این سازمان به ایران سفر کرده بودند، خواستار ممانعت از دخالت نیروهای غیرکارگری در ایجاد اتحادیه های مستقل کارکنان صنعت نفت شدند.

امضا کنندگان این نامه نوشتند که: «طبق تبصره ماده ۱۵ قانون شوراهای اسلامی کار ایجاد هر گونه تشکل در صناعی بزرگ چون نفت، گاز،

پتروشیمی، ذوب آهن، صنایع مس و صنایع سنگین منوط به اجازه شورای عالی کار است و تاکنون نیز این نهاد اجازه ایجاد تشکلی در این صنایع را نداده است. علاوه بر این کارگران صنایع زیر ۳۵ نفر هیچ گونه تشکلی ندارند و شوراهای اسلامی کار نیز که یک تشکل کاملاً دولتی و ایدئولوژیک است، پس از ۲۳ سال از هفت هزار کارگاه موجود، تنها در دو هزار کارگاه افرادی را به عنوان نماینده کارگران منصوب کرده اند، بنابراین در غیاب تشکلهای مستقل کارگران ایران، امضای هرگونه قرارداد سه جانبه جنبه قانونی و واقعی ندارد.» این نمایندگان کارگران «خواستار حذف تمامی مواردی از قانون کار،» که به نحوی مانع ایجاد تشکلات مستقل و غیرایدئولوژیک کارگران هستند، تا کارکنان صنعت نفت و صنایع بزرگ بتوانند تشکل مستقل خود را بر مبنای مقاله نامه ها و توصیه نامه های آن سازمان به وجود آورند» شده اند.

در سال ۱۳۸۳ این تلاش ابعاد گسترده تری پیدا کرد. در ۱۱ بهمن ۱۳۸۳ هیات موسس برای «احیای سندیکای کارگران شرکت واحد تهران» اعلام موجودیت علنی خود را اعلام کرد. در نامه ای به خاتمی این کارگران می نویسند: «ما گروهی از کارگران شرکت واحد تهران تحت عنوان هیات موسس و احیای سندیکای کارگران شرکت واحد جهت بازگشایی سندیکای خود طبق مقاله نامه های بین المللی مربوطه تلاشهایی را آغاز و در اولین گام نامه هایی به وزیر و معاون وزیر کار ارسال و بازگشایی سندیکای خود را مطرح کرده و در ادامه کوشش هایی جهت آگاهی و آشنایی همکاران انجام داده و می دهیم.»

و بالاخره در اواخر سال گذشته بیانیه ای تحت عنوان «کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری در ایران» منتشر شد. این بیانیه با امضای چند هزار تن از کارگران و فعالان کارگری در ایران خطاب به «سازمانهای کارگری در سراسر جهان و سازمان بین المللی کار و وزارت کار و امور اجتماعی» رژیم است.

در این بیانیه نوشته شده: «سازمان جهانی کار با اعزام نمایندگانی به ایران و نظارت به امضای تفاهم نامه ای در خصوص اصلاحاتی در فصل ششم قانون کار موجود (در رابطه با تشکلهای کارگری) که بدون حضور نمایندگان مستقل کارگران انجام گرفته، در کمال تأسف عملاً بر بی حقوقی کارگران در ایران صحنه گذاشته و به این وسیله به آن رسمیت بخشیده است. قطعاً کارگران ایران که به دلیل محرومیت از داشتن تشکلهای مستقل خود همواره شاهد تحمیل قوانین ضد کارگری و مغایر با

مقاله نامه های سازمان جهانی کار (ILO) بوده اند، تفاهم نامه ای را که نمایندگان آنها در تنظیم و امضای آن حضور نداشته اند، به رسمیت نخواهند شناخت. لذا ما امضاکنندگان زیر خواهان به رسمیت شناختن آزادی ایجاد تشکلهای مستقل کارگری هستیم.»

بدین ترتیب با اعلام موجودیت «کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری در ایران» که مورد استقبال و حمایت هزاران کارگر و هزاران تن از ایرانیان آزادیخواه قرار گرفت، مساله «تشکلهای مستقل کارگری» در تئوری و عمل نظم ولایت فقیه را به چالش جدی کشید.

در روز دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۴ (۱۱ آوریل ۲۰۰۵) این کمیته گزارش سومین مجمع عمومی خود را که روز ۱۹ فروردین ۱۳۸۴ (۸ آوریل ۲۰۰۵) برگزار شده بود را منتشر کرد. بنا بر این گزارش «مجمع عمومی کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری با شرکت ۶۲ نفر از رهبران و فعالان کارگری از اقصی نقاط کشور در تهران برگزار گردید. دستور کار این مجمع شرح وظایف کمیته در جنبش کارگری و انتخاب نمایندگان و سخنگوی کمیته در دوره پیش رو تا مجمع بعدی بود.»

سامانیایی این کمیته و کمیته ها و کانونهای کوچکتر که با هدفشان تلاش برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری است، بدون شک مبارزه طبقه کارگر ایران را وارد دوران جدیدی کرده است. این مبارزه و تلاش به ناچار با مقررات ضد کارگری و از کانال آن با نظام ولایت فقیه درگیر خواهد شد و از این رو خصلت سیاسی داشته و خواهد داشت و این ناقوس خطر را برای سرکردگان نظام استبدادی مذهبی حاکم بر ایران به صدا در آورده است. هم از اینروست که در روز جمعه ۷ اسفند ۱۳۸۳ (۲۵ فوریه ۲۰۰۵) رفسنجانی در پیامی به نمایش دولتی «دومین کنگره خانه کارگر تشکیلات استان همدان» کارگران را تهدید می کند که «فرب شعارهای کمونیستی و سوسیالیستی» را نخورند.

اگر منظور رفسنجانی از «شعارهای کمونیستی و سوسیالیستی» شعار ایجاد تشکلهای مستقل کارگری است، کمونیستها و سوسیالیستها و همه ی آزادیخواهان باید سرفراز باشند که چنین شعاری را سر می دهند و به امید آن که همه ی آزادیخواهان برای تحقق این شعار و برای آزادی همگانی از جنبش کارگری ایران که با گامهای استوار، اما با شرایطی سخت، به پیش می رود پشتیبانی کنند.

باید از حق تشکل یابی همه

جانبه دفاع کرد

جعفر پویه

چاقوکشان و ارازل و اوباش سازماندهی شده تحت نام خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار بار دیگر از لانه خود بیرون خیزده و به سرکوب فعالان کارگری پرداختند. آنان که حق حضور و فعالیت را برای هیچ گروه و سازمانی به رسمیت نمی شناسند، پا را بیش از حد خودشان دراز کرده و مدعی شده اند که تنها آنان هستند که اجازه فعالیت در عرصه های کارگری را دارند و هر تشکل دیگری غیر قانونی است. چماقداران وابسته به حکومت این بار بهانه هایی همچون جنگ و مبارزه با آمریکا را به کناری گذاشته و با عریضه حق سرکوب دیگران را برای خود محفوظ می دانند. این لومین های اجیر شده نمی دانند که کارگران برای برپایی تشکل های صنفی و طبقاتی خود از انگلهایی همچون آنان ترسی نداشته و عرصه پیکار طبقاتی از وجود عناصری همچون اینان انباشته است.

مزدوران حکومتی روز سه شنبه در پناه حمایت پلیس یا حمله به هیئت موسس سندیکای کارگران شرکت واحد پس از شکستن درب و پنجره محل استقرار آنها به ضرب و شتم آنان پرداخته و با انتشار بیانیه ای از این عمل خود نیز دفاع کرده اند. طبق اطلاعات رسیده در این یورش حسین صادقی دبیر کانون شورای اسلامی کار دست های منصور اسانلو یکی از فعالان سندیکای را از پشت نگه داشته و جلال سعید منش یکی دیگر از اوباشان زبان و گردن او را بریده است. حسین صادقی در گفتگو با خبرنگاری دولتی ایستاد این عمل خود را حاشا می کند و می گوید که در این روز در تهران نبوده و "چنانچه کارگران درگیر در حادثه روز گذشته از اعضای شوراهای اسلامی کار بوده باشند، حق آنها بوده و آنها از کبان خود دفاع کرده اند." حسین صادقی چاقو کشی و بریدن زبان و گردن